



دوره چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

بازاندیشی و ممیزی معیارهای سلبی و ایجابی رفتار قضایی در سیستم حقوقی ایران و سند بین‌المللی بنگلور

زهرا اکبری*^۱، محمدعلی اردبیلی^۲، محمد آشوری^۳، نسرین مهرا^۴

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

دستگاه قضایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق عدالت و احیاء حقوق عامه نفوذ معنوی و سلامت خود را از نحوه عملکرد متصدیان امر به عاریه می‌گیرد، علیهذا فردی که در مقام قضاوت قرار دارد، باید تحت یک تکلیف عام ملزم به رعایت کلیه معیارهای رفتاری سلبی و ایجابی تعیین شده باشد تا رأی صادره مورد تردید طرفین دعوا قرار نگیرد. این شرایط اعم از معیارهای رفتاری فردی و سازمانی ایجابی و سلبی و یا شاخص‌ها و اصول بنیادینی است که بستر یک دادرسی عادلانه را فراهم می‌کند و در قوانین بین‌المللی مانند سند رفتار قضائی بنگلور مورد پذیرش جوامع مختلف قرار گرفته‌اند. با تأکید بر این نکته که به‌کارگیری روش‌های استانداردشده در مدیریت قضائی نقش مهمی در احیاء حقوق عامه دارد، هدف نگارنده در این نوشتار تبیین و تشریح شاخص‌ها و معیارهای معنون در نظام قضائی ایران و سند رفتار قضائی بنگلور به‌صورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد. در همین راستا این پژوهش سعی دارد ضمن تشریح معیارهای سلبی و ایجابی رفتار قضائی در نظام حقوقی ایران و سند بین‌المللی بنگلور به بررسی برخی از نواقص موجود در این زمینه بپردازد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۹-۸۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: zk.1234@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

معیارهای رفتار قضائی، ایجابی و سلبی،

اصول رفتار قضائی بنگلور، رفتارهای

درون و بیرون از سازمان.



مقدمه

برای تحقق سلامت قضائی وجود استانداردهایی به منظور ارائه چارچوبی مشخص جهت تنظیم رفتارهای قضائی، تعیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضات و ایجاد رویه‌ای قانونمند و منسجم برای نظم‌بخشی رفتارهای مذکور الزامی است. مباحث مطروحه در این وادی حاوی شرایط سلبی و ایجابی و همچنین معیارهای اخلاق قضائی جهت انجام بهینه وظایف متصدیان امر می‌باشد. بدیهی است که وجود اصول و معیارهای سلبی و ایجابی جهت تعیین رفتار قضائی در داخل و خارج از دادگاه، دانش و تجربه کافی در کنار توانمندی قضات، شفافیت وظایف و وجود یک قانون جامع به همراه ارزشیابی‌های مستمر توفیق قوه قضائیه را رقم خواهد زد. تعیین شاخص‌های رفتار قضائی از مقوله‌هایی است که تمامی نظام‌های حقوقی در گذشته و حال بر آن تأکید داشته و دارند و این امر در نظام قضائی ایران نیز همواره مورد عنایت بوده است، زیرا عدم اعتماد به دستگاه عدلیه مخرب مردم‌سالاری و توسعه می‌باشد.

در همین راستا یکی از کارآمدترین روش‌ها جهت تعیین معیارهای رفتار قضائی و جلوگیری از حدوث خطا و اشتباهات قضات، استفاده از استانداردهای معین بر مبنای حقوق بنیادین داخلی یا اسناد بین‌المللی در حوزه‌های صلاحیتی مختلف می‌باشد که قانون‌گذار ما در سنوات گذشته سعی نموده با مشخص نمودن عوامل اخیرالذکر از بروز بی‌عدالتی در زمینه ارزشیابی منصوبین قضا و همینطور تضمین عدالت در رسیدگی‌های قضائی به منظور تأمین حقوق عامه همت وافر مبذول نماید. از جمله این شاخص‌ها، معیارهایی است که در اصول بنیادین اسلامی بیان گردیده و به‌عنوان مهم‌ترین مبنا و شالوده قوانین موضوعه ماهوی و شکلی ما قرار گرفته‌اند. علاوه بر این با تعمق در اسناد بین‌المللی که هدف عمده آن حفظ کرامت و تأمین منافع حقوق بشر می‌باشد، معیارهایی مطرح گردیده است که در پرتو آن ضمن برخورداری افراد از یک دادرسی عادلانه و منصفانه حقوق شهروندی آن‌ها نیز رعایت گردد.

در مقوله تعیین، تدوین و تصویب معیارهای رفتار قضائی مقررات پراکنده‌ای به چشم می‌خورد، لکن پراکندگی و بعضاً وجود اجمال، کلی‌گویی و سکوت در برخی از قوانین خاص، باعث بروز مشکلاتی برای مراجعین به دستگاه قضائی، نهادهای

مدیریتی و نظارتی و حتی خود قضات محترم گردیده که این امر سیستم قضائی ما را از عدالت و انصاف دور می‌نماید. از این رو نوشتار حاضر پس از توضیح مطالب کلیدی به تبیین معیارهای سلبی و ایجابی رفتار قضائی با تکیه بر سند بین‌المللی بنگلور می‌پردازد. یادآور می‌گردد اسناد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوتی در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، لکن یکی از جامع‌ترین اسناد بین‌المللی در موضوع اخیرالذکر سند بین‌المللی رفتار قضائی بنگلور است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. بدیهی است با توجه به خلأ وجود یک سند اخلاق قضائی جامع در نظام قضائی ایران بررسی مطالب اخیرالذکر الزامی می‌باشد. در همین راستا سؤالی که در این پژوهش به دنبال تبیین آن هستیم، این است که معیارهای سلبی و ایجابی رفتار قضائی در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی به‌ویژه سند بین‌المللی بنگلور چیست؟

۱- سیاست تقنینی

در این بحث ابتدا به بررسی سیاست تقنینی رفتار قضائی در سند رفتار قضائی بنگلور و سیاست‌های قانون‌گذار داخلی پرداخته و متعاقب آن سیاست‌های سلبی و ایجابی رفتار قضائی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱- سند بنگلور

سند رفتار قضائی بنگلور یک متن فراملی که توسط تعداد زیادی از جوامع حقوقی بین‌المللی، اعم از سیستم‌های حقوقی نوشته یا سیستم‌های حقوقی کامن‌لا و سایر مراجع حقوقی در راستای ایجاد یک سند یکپارچه حقوقی در زمینه رفتارهای قضائی تهیه و تنظیم گردیده است. این سند فارغ از هرگونه محدودیت‌های ملی، مذهبی و قومی بیانگر رفتارهای سلبی و ایجابی قضائی مبتنی بر اخلاق و اصول مورد توجه جوامع حقوق بشری می‌باشد.

این سند، نتیجه بررسی و تلاش گروهی متشکل از قضات عالی‌رتبه کشورهای مختلف، موسوم به گروه قضائی «تقویت یکپارچگی» می‌باشد که در سال ۲۰۰۰ میلادی به دنبال دهمین کنگره پیشگیری از جرم و رفتار قضائی با مجرمین در سازمان ملل با هدف تنظیم مجموعه قواعدی یکنواخت برای تقویت یکپارچگی قضائی تشکیل گردید. بدین منظور این گروه به بررسی و تجزیه و تحلیل قواعد رفتار قضائی کشورهای مختلف

بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقاید سیاسی یا غیر آن‌ها، سطوح ملی و اجتماعی، دارایی، ولادت یا وضعیت صورت گیرد، به استثنای اینکه این شرط که یک نامزد منصب قضایی باید تبعه کشور مربوط باشد، تبعیض‌آمیز نخواهد بود. مدت تصدی منصب قضا در جایی که چنین مدتی وجود داشته باشد، باید تضمین گردد. ارتقای قضا در جایی که چنین سیستمی باشد، باید مبتنی بر عوامل عینی مخصوص توانایی سلامت و تجربی باشند. واگذاری پرونده‌ها به قضا در دادگاهی که قضا متعلق به آن هستند، یک امر داخلی مدیریت قضایی است (شاه‌حیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۴۹).

اصول بنگلور مهم‌ترین سند بین‌المللی است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. هدف از این اصول، تبیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضا به منظور انجام هرچه بهتر وظایف قضایی و ایجاد یک چارچوب منسجم برای نظام‌بخشی رفتار قضایی است.

اغلب ارزش‌های مطرح در اصول رفتار قضایی بنگلور نظیر برابری، بی‌طرفی، استقلال و نزاکت در نظام حقوقی اسلام دارای سابقه‌ای دیرین است، از جمله روایتی منصوب به حضرت علی (ع) که فرمودند: «مَنْ إِبْتَلَى بِالْقَضَاءِ فليُؤَسِّمْ بَيْنَهُمْ فِى الْإِشْرَهِ وَالنَّظْرِ وَفِى الْمَجْلِسِ؛ هرکس که عهده‌دار قضاوت می‌شود، باید برای طرفین دعوا در اشاره کردن، نگاه کردن و جای دادن، برابری کامل را رعایت کند» (فرح‌زادی، ۱۳۹۷: ۴۹).

۱-۲- سیستم حقوقی ایران

مطابق با اصل یکصد و شصت و سوم قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران، صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. سابقه تقنینی قوانین و مقررات انتظامی قضا در ایران به گذشته‌ای نه‌چندان دور بازمی‌گردد. تا قبل از سال ۱۳۰۴ شمسی، علیرغم اینکه سازمان و تشکیلات مشخصی مانند اداره نظارت، برای رسیدگی به تخلفات قضا در کشور موجود بوده، در خصوص تخلفات انتظامی قضا و میزان مجازات آن‌ها، مقررات خاص و ویژه‌ای وجود نداشته است. متعاقب آن قانون اصول تشکیلات عدلیه در سال ۱۳۲۹ قمری به تصویب رسید که به‌طور مدون مقرراتی برای رسیدگی به تخلفات قضا پیش‌بینی نموده بود. در این راستا می‌توان به مواد ۱۷۹ و ۱۸۰ قانون این قانون اشاره نمود.

مبادرت نمود و در اجلاسی که در فوریه سال ۲۰۰۱ در شهر بنگلور کشور هندوستان تشکیل شد، پیش‌نویس اولیه قواعد رفتاری قضائی تنظیم گردید، اما با توجه به اینکه اکثریت اعضای گروه تنظیم‌کننده پیش‌نویس از کشورهای نظام حقوقی کامن‌لا (حقوق نانوشته) بودند، متن مذکور پس از اصلاحاتی در نوامبر سال ۲۰۰۲ در اجلاس قضا ارتشد تعدادی از کشورهای دارای نظام قضائی رومی - ژرمنی به تصویب نهایی رسید. علت نامگذاری آن به سند رفتار قضائی بنگلور، تنظیم این سند در شهر بنگلور کشور هندوستان است.

رفتارهای قضایی ایجابی و سلبی مندرج در سند بنگلور از منابع متعددی الهام گرفته شده است. این منابع شامل اسناد بین‌المللی قوانین ملی رفتار قضائی، شرح‌های مربوط به آراء و تصمیمات دادگاه‌های بین‌المللی منطقه‌ای، نظرات کمیته‌های مشورتی اخلاق قضایی، مقالات و رساله‌های علمی می‌باشد. تنوع اسناد مختلف بین‌المللی حاکی از مقبولیت بالای رفتار قضایی مندرج در این سند دارد.

این سند بین‌المللی نگاهی اخلاق‌مدارانه به ارزش‌های مذکور در آن داشته، هرچند که برخی از تهیه‌کنندگان سند فوق‌الاشاره هیچ ارتباطی با مذهب ندارند، اما ارزش‌های درج‌شده در آن به‌طور مستقیم از اخلاق سرچشمه گرفته است.

از متن سند رفتار قضائی بنگلور به‌مانند هر متن فراملی دیگری انتظار نمی‌رود که کاملاً منطبق بر آموزه‌های دینی و اخلاقی حکومت‌های اسلامی باشد، اما واقعیت این است که چون مبنای تصویب آن اخلاق بوده و آموزه‌های دینی و مذهبی ما هم بر اساس اخلاق بنا گذاشته شده‌اند، بنابراین رفتارهای سلبی و ایجابی سند رفتار قضائی بنگلور انطباق زیادی با آموزه‌های دینی و قانونی ما در مورد رفتارهای ایجابی و سلبی قضائی دارد. می‌توان گفت این سند بنیادین به‌گونه‌ای اخلاق‌مدارانه تهیه شده که حتی در جوامع مذهبی، مانند اسلام نیز قابلیت پذیرش دارد.

مطابق این سند، افرادی که برای منصب قضا انتخاب می‌شوند، باید افرادی برخوردار از سلامت و توانایی به‌همراه آموزش‌های شایسته حقوقی یا معلومات حقوقی باشند. هرگونه روش گزینش قضایی باید مصون از انتصابات قضایی برای مقاصد ناشایست باشد. در انتخاب قضا نباید هیچ‌گونه تبعیضی نسبت به افراد

است، با اعلام دادستان انتظامی مالیاتی، در دادرسی انتظامی قضات رسیدگی می‌گردد.

ماده ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن، مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۹ از دیگر قوانین مورد اشاره است که مقرر نموده: «دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره‌شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید، تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می‌گردد.» همچنین در ماده ۳۹۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ آمده است: «چنانچه قضات شعبه دیوان عالی کشور، ضمن بررسی پرونده‌هایی که جهت رسیدگی فرجامی در دستور کار قرار دارد، تخلف از مواد قانونی یا اعمال غرض‌یابی اطلاعاتی از مبانی قضایی را ملاحظه نمایند، ضمن اینکه این موارد را در گزارش خود می‌آورند، مراتب را به دادگاه عالی انتظامی قضات نیز منعکس و ارسال می‌نمایند.»

در مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۰۸ قانونی تحت عنوان قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضائیه به تصویب می‌رسد که حسب بند «ب» ماده ۱ آن، به‌نوعی اختیارات رییس قوه قضائیه را در خصوص تغییر محل خدمت قضات در شهرهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه‌اند، باتشخیص مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات افزایش داده، برابر ماده ۴ این قانون نیز اختیاراتی در خصوص تعیین صلاحیت قضات و تقسیم این صلاحیت به ۳ درجه باتوجه به سوابق علمی و تجربی آنان، برای شخص رییس قوه قضائیه مقرر گردیده است.

التهایه قوه قضائیه لایحه تشکیلات دادرسی و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی قضات را تهیه و توسط دولت طی شماره ۴۳۲۸۴/۱۱۲۳۵۲ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۲۳ تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود. نهایتاً پس از بررسی‌های انجام گرفته، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۷ لایحه تقدیمی دولت تحت عنوان قانون نظارت بر رفتار قضات تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۴۶۳/۴۸۸۵۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ مجلس شورای اسلامی به دولت (رییس جمهور) جهت ابلاغ ارسال و متعاقب آن ریاست جمهوری طی شماره ۱۵۶۴۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۵ قانون مذکور مصوب را جهت اجرا، ابلاغ تا تشریفات درج و انتشار آن

همچنین ماده ۲۸۸ قانون مجازات عمومی، مقرراتی برای برخورد قانونی با قضات را تعیین که دارای نواقص فراوانی بوده است، تا اینکه نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آن‌ها در ۱۳ اسفند ۱۳۰۴ به تصویب هیأت وزیران رسید (کاظم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱).

قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ یکی از اولین قوانینی است که پس از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده و در ماده ۴۱، تبصره ۲ ماده ۴۷ و ماده ۸۷ آن مواردی از تخلفات دادستان یا نماینده وی را مورد توجه قرار داده است که حسب مورد به مجازات انتظامی کسر حقوق تا یک‌سوم از یک‌ماه تا شش‌ماه به حکم مراجع صالحه محکوم می‌شود. در «قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۸/۰۴/۰۴ در ماده ۳۲ آن به تأسی از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، به تخلفات دادستان یا نماینده او اشاره گردیده، با این تفاوت که در قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران از عبارت جرم و تأدیب و تعزیر سخن گفته شده است، لذا این شبهه ایجاد می‌شود که شاید این مجازات عنوان کیفری داشته باشد. با مذاقه در روح قانون مورد تصویب به‌نظر می‌رسد منظور از این نحوه نگارش صرفاً تنبیهات اداری و انتظامی است.

در «ماده واحده طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا» مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام براساس تبصره ۲ آن، چنانچه بنا به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی است و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می‌شود. لازم است یادآوری شود که در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ برابر تبصره ماده ۱۹۰ آن، در صورت سلب حق همراه داشتن وکیل، قاضی به مجازات انتظامی درجه ۸ محکوم می‌گردد و چنانچه این حق به متهم تفهیم نگردد، مجازات انتظامی درجه ۳ در انتظار او است.

یکی دیگر از قوانینی که به تخلفات انتظامی قضات پرداخته است، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۰۳ است که حسب ماده ۲۶۹ آن، «به تخلفات قضات اعضای هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی در انجام تکالیفی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی به‌عهده هیأت‌های حل اختلاف گذارده شده

در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران انجام و با انقضای مهلت ۱۵ روز پس از انتشار، اجرای آن رسماً عملی گردد.

۲- مبانی و معیارهای رفتار قضائی

رفتارهای متفاوت افراد، معلول عواملی هستند که خود تعیین کننده ویژگی‌های فردی بوده و این خصوصیات انسانی بر روی میزان کارایی و اثربخشی وی تأثیری مستقیم دارند. عوامل متفاوتی در بروز رفتارهای انسان مؤثرند، این عوامل دارای جنبه‌های متفاوتی بوده و آن را کنترل می‌نمایند که درحقیقت حاصل باقی‌مانده و تأثیر تجربیات گذشته فرد، موقعیت کنونی وی در محیط و حالات فردی او و نتایجی که رفتار فرد در آینده خواهد داشت، می‌باشند.

به‌طور کلی مجموعه علوم رفتاری با فنون گوناگون به مطالعه رفتار می‌پردازند. رفتاری که می‌تواند آشکار یا نهان و ساده یا پیچیده باشد. رفتار قضات به‌عنوان افرادی دارای قدرت وسیع که یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیتی را اعمال می‌کنند، به نوبه خود از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. پرواضح است که این رفتار به سبک زندگی قضایی و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و انسانی در قاضی وابسته است و قاضی برای احقاق حق باید ارزش‌های اخلاقی و انسانی را در وجود خود متجلی کند، در غیر این صورت نمی‌تواند در مسیر عدالت گام بردارد. منشورها و کدهای اخلاقی و رفتاری در شکل‌گیری رفتار متصدیان قدرت، نقش مهم و اساسی دارد، مبنایی را به‌عنوان چارچوب رفتار مرجع فراهم می‌کند و بررسی و ارزیابی رفتارها را از سوی نمایندگان مردم به‌صورتی عینی امکان‌پذیر می‌سازد. این ارزش‌ها در متن سوگندهایی که قضات هنگام آغاز فعالیت یاد می‌کنند، مورد تصریح قرار می‌گیرند (Mackay, 1995: 2).

در یک نگاه کلی تعریف جامعه از جایگاه منصب قضا بالاست، اما شأن قضایی را نوع عملکرد سیستم عدلیه و قضات مشخص می‌نمایند. نوع رفتار قاضی چه در محکمه و چه در بیرون از محیط دادگاه ملاک سنجش شأن قضایی می‌باشد. با تأکید بر این مسأله که دستگاه قضایی، سیستمی انسان‌محور و اراده‌محور است و تصمیم‌گیری در آن مبتنی بر دانش، ارزش‌ها و فهم درست در کنار عوامل روحی و شخصیتی است، باید اقرار نمود که رفتارهای سلبی و ایجابی در این زمینه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشند که خود تعیین‌کننده اصول رفتار قضائی است.

انسان‌محور و اراده‌محور بودن سیستم قضا خود سبب تعیین ملاک‌های ارزیابی و استخدام افراد متقاضی منصب قضا گردیده است. این معیارهای تعیینی اثر مستقیمی در تضمین استقلال، ارتقای اثربخشی قضایی، درستکاری و پاک‌دستی، رعایت شؤن قضایی و ترسیم محدودیت فعالیت‌های غیرقضایی و با هدف بهبود ویژگی‌های حرفه‌ای قضات و رفتارهای قضائی در داخل و خارج از دادگاه با محوریت قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از قوانین و استانداردهای رفتاری بین‌المللی گردیده است که ابتدا توضیح مختصری در مورد آن ارائه می‌گردد.

۲-۱- مبانی نظری

معیارهای رفتار قضائی در داخل و خارج از دادگاه راهنمای قضات در نحوه انجام تکالیف رسمی و مشارکت آن‌ها در طیف وسیعی از فعالیت‌هایشان بر مبنای اصول تعیین‌شده سیاست‌های قوه قضائیه می‌باشد. بدیهی است که این سیاست‌ها خود از منابع معتبر فقهی و اصول بین‌المللی، مانند بنگلور اقتباس یافته است. یکی از قضات استرالیا در زمینه ضرورت تعیین استانداردهای رفتاری مناسب برای منصب قضایی این‌گونه اظهار نظر نموده است: «تردیدی نیست که قضات باید بر اساس معیارهای مشخصی هم در داخل و هم در خارج از دادگاه رفتار نمایند. اعمال اقتدارگرایانه قابل ملاحظه‌ای، روزبه‌روز به قضات واگذار می‌شود. اعمال این اقتدار، آثار چشم‌گیری بر زندگی و سرنوشت افرادی که نزد قضات می‌آیند، دارد. شهروندان نمی‌خواهند چنین اقتداری به فردی که درستکاری، لیاقت و سایر معیارهای فردی‌اش مورد تردید است، داده شود، لذا ضروری است که معیارهای رفتاری هم در داخل دادگاه و هم در خارج دادگاه وجود داشته باشد که در پاسخ به انتظارات شهروندان طراحی شده است» (Thomas, 2015: 7).

مک‌کی در زمینه علت یکسان‌نبودن استانداردهای رفتار قضائی در کشورهای مختلف جهان این‌گونه اظهار نظر می‌نماید: «تفاوت استانداردهای رفتار قضایی در نظام‌های قضایی ناشی از تفاوت زمینه‌های تاریخی، سیاسی و مذهبی است که قضات در آن عمل می‌کنند. در این رابطه دیدگاه‌ها در آمریکای شمالی در مورد آنچه سورفتار قضایی را تشکیل می‌دهد، ممکن است از دیدگاه‌ها در آفریقا، متفاوت باشد» (MacKay, 1998: 7). پرواضح است که ما با گوناگونی چارچوب‌ها در زمینه تعیین معیار رفتارهای قضائی

مسئولیت پسینی در گروهی اثبات دفاعیاتی که در مواردی منطبق بر بدنه مجرمیت و مسئولیت است.

۲-۱-۳- رفتار قضائی سلبی و ایجابی

مقصود از رفتارهای ایجابی، شرایطی است که قضات باید واجد آن باشند و در مقابل، رفتارهای سلبی، شرایطی است که منصوبین قضایی باید از آن پرهیز نمایند. قواعد حقوقی در عمل و نظر محتوایی اجتماعی دارد. دو ویژگی برجسته صراحت و نیز الزام آوردن قواعد حقوقی، از سوی دیگر ضمانت اجرای آن توسط قدرت دولت حکومتی، آن‌ها را از مجموعه قواعد اخلاقی، عرفی و مذهبی ممتاز می‌کند. از این رو در جامعه‌شناسی حقوق، این مسأله پراهمیت مطرح است که حقوقدان به‌ویژه آنگاه که در مقام قضاوت و داوری می‌نشیند، بی‌آنکه خود متوجه باشد، جامعه‌شناس است، هرچند این تمایز نافی همپوشانی آن‌ها نمی‌باشد (رحیمی، ۱۳۹۱: ۹۴). اجرای عدالت قضایی صحیح به سلامت دستگاه قضایی بستگی دارد و سلامت این دستگاه نیز معلول عوامل مختلفی است، از جمله سلامت اخلاقی قضات و رفتار مناسب آن‌ها.

برخلاف رفتارهای ایجابی، رفتارهای سلبی رفتارهایی هستند که افراد در مناصب و موقعیت‌های مختلف باید از انجام آن‌ها خودداری نمایند. این رفتارها با توجه به مشاغل و اهداف سازمان‌ها با هم متفاوتند، البته ذکر این مطلب الزامی که انجام برخی از رفتارها به‌صورت عام برای هیچ‌کس جایز نیست، لکن برخی از اعمال برای صنف و گروه شغلی خاصی ممنوع اعلام گردیده است. موفقیت یک سازمان عمدتاً به تلاش‌های کارکنان آن متکی است، چراکه آن‌ها اقدامات استراتژیک را به اجرا درمی‌آورند (اشنایدر و همکاران، ۱۹۹۶: ۲۵؛ رایت و مک‌ماهان، ۱۹۹۲: ۲۵). بنابراین توجه و تعیین معیارهای صحیح رفتاری در سطح فردی کارکنان قبل از تأثیر تجمعی آن در سطح سازمان مهم است (دس و همکاران، ۱۹۹۷: ۲۵؛ شان و اولریچ، ۲۰۰۴: ۲۵). این دسته از رفتارها زمانی از اهمیت برخوردار می‌شوند که جنبه‌های تاریک سازمانی یا همان رفتارهای خارج از عرف و قوانین سازمانی در سازمان پدید آیند (یاسینی، ۱۳۹۵: ۴۶). مطالعه جنبه‌های مختلف رفتارهای سازمانی از آن جهت مهم هستند که بر عملکرد سازمانی و برون‌دادهای ناکارآمد شغلی کارکنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارند. حدود رفتارهای سلبی مقام قضائی در داخل و خارج

در کشورهای مختلف روبه‌رو باشیم، اما آنچه حائز اهمیت است، اینکه بسیاری از معیارهای مدون، مورد پذیرش نظام‌های حقوقی دنیا است.

۲-۱-۱- رفتار قضائی فردی

معیارهای رفتاری فردی قضائی شامل رفتارهای ایجابی و سلبی می‌باشند که نشأت گرفته از ویژگی‌های شخصی و فردی مبتنی بر عوامل عینی مخصوصاً هوشمندی، شم قضایی، مهارت‌های ادراکی، مدیریت محیط، شجاعت، دانش قضایی، تفکر راهبردی، تعالی‌جویی، توان مذاکره و ارتباطات، هدف‌گذاری، دانش حقوقی، مدیریت رفتارهای سیاسی، آگاهی محیطی، پاکدامنی، سرمایه اجتماعی، شایسته‌سالاری، اخلاق‌مداری، نظم و آراستگی، تعهد و عدالت، رفتار شهروندی، نظارت و کنترل، اخلاق قضایی، الگوبودن و برنامه‌ریزی و امثالهم می‌باشد که مورد پذیرش جوامع بین‌المللی حقوقی به‌ویژه سند رفتار قضائی بنگلور نیز است.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر عوامل فردی دیگری که در ذیل این تعریف مؤثر بر عملکرد منصوبین قضائی می‌توان عنوان نمود، عبارتند از: معیارهای علمی قضات در زمینه شناخت لازم و کافی از قوانین و مقررات انتظامی، آموزش حرفه‌ای منصوبین قضائی، اصول اخلاق قضایی و شرافت حرفه‌ای، پایبندی به تضمینات دفاعی اصحاب دعوی، تفسیر ناروای قضات از قوانین، دقت و سرعت در کار، نیازهای مالی قاضی و مواردی از این قبیل می‌باشد.

۲-۱-۲- رفتارهای قضائی درون و بیرون از سازمان

مدیریت قضائی در هر جامعه‌ای باید چارچوب‌های لازم برای تضمین رفتارهای سلبی و ایجابی قضات را ایجاد و برای نیل به اهداف متعالی، ابزار لازم و مقدمات کافی برای این مهم را فراهم نماید. در غیر این صورت به‌درستی وظایف خود عمل ننموده است. باوجود این، واکاوی در متون و قوانین تعیین‌کننده معیارهای رفتار قضائی اعم از سلبی و ایجابی لزوم همخوانی و ابتدای نظام تعیین نیروی قضائی در ایران بر مفاهیم فقهی و قوانین بین‌المللی مورد پذیرش، از جمله معیارهای رفتار قضائی بنگلور را آشکار می‌سازد؛ مفهومی که در آن، صرف نقض یک ارزش رفتاری (با در نظر گرفتن تأثیرگذاری کلیه مؤلفه‌های درونی و بیرونی) مسئولیت پیشینی را به‌دنبال می‌آورد و

از دادگاه براساس قانون، استانداردهای اخلاقی و رفتاری تعیین می‌گردد.

۲-۲- معیارهای رفتار قضائی

۲-۲-۱- سندبین‌المللی بنگلور

۲-۲-۱-۱- رفتارهای ایجابی

این رفتارها در سند بنگلور در قالب شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و صلاحیت و پشتکار به شرح ذیل بیان گردیده است: «ارزش اول، استقلال: استقلال قضائی، یک پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین بنیادین دادرسی عادلانه است. بنابراین قاضی باید استقلال قضائی را در جنبه‌های فردی، سازمانی و هر دو، حفظ کند و نمونه آن باشد.»

یکی از اصول مهم تحقق دادرسی عادلانه و حکومت قانون، استقلال قضائی به معنای استقلال قاضی از هرگونه اعمال نفوذ و مداخله قوای سیاسی و اصحاب دعوا است. تحقق استقلال قضائی، از یک سو مستلزم تضمین استقلال ساختاری قوه قضائیه و از سوی دیگر ایجاد سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضات است.

از این رو اگر این استقلال تأمین و تضمین نشود، ما شاهد رو آوردن قضات به مصلحت‌گرایی خواهیم بود، در نتیجه بسیاری از پرونده‌ها به نتیجه نخواهند رسید و دائماً در جریان بوده و تجدید وقت می‌شوند که اصطلاحاً از این نوع پرونده‌ها، به عنوان پرونده‌های جودار تعبیر می‌شود. سه شرط حداقلی برای استقلال قاضی عبارتند از: ۱- امنیت شغلی؛ ۲- امنیت مالی؛ ۳- استقلال سازمانی (شاه‌حیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۵۵).

در سند بین‌المللی بنگلور از استقلال قضائی این‌گونه تعبیر گردیده است: «استقلال قضائی پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین اساسی برای رسیدگی عادلانه است. از این رو هر قاضی باید استقلال قضائی را از هر دو بعد شخصی و اصولی تحکیم کند و به منصف ظهور رساند.» همچنین کاربردهای آن به شرح ذیل عنوان گردیده است:

«قاضی باید اعمال قضائی را به گونه‌ای مستقل و بر مبنای ارزیابی خود از حقایق و مطابق با درک وجدانی خود از قانون اعمال نماید و از تأثیرات، عوامل، فشارها، تهدیدات یا مداخلات مستقیم یا غیرمستقیم بیرونی، از هر منبع یا به هر دلیلی که

هستند، فارغ و رها باشد. وی باید در رابطه با جامعه به‌طور کلی و در رابطه با طرفین خاص درگیر در منازعه‌ای که بدان رسیدگی می‌کند، استقلال داشته باشد. قاضی نه تنها باید فارغ از ارتباطات ناروا و نیز تأثیرپذیری از بخش‌های اجرایی و قانون‌گذاری حکومت باشد، بلکه همچنین باید از دید یک ناظر متعارف هم از آن‌ها آزاد و رها به نظر برسد. قاضی باید در انجام وظایف قضائی درباره تصمیماتی که موظف است مستقلاً اتخاذ کند، مستقل از همکاران قضائی باشد. متصدی منصب قضا باید برای اجرای وظایف قضائی و حفظ و ارتقای استقلال بنیادی و عملی نظام قضائی، اصول اطمینان‌بخشی را تشویق کند و بدان عمل نماید. قاضی باید به‌منظور تحکیم اعتماد عمومی به نظام قضائی که برای حفظ استقلال قضائی امری زیربنایی تلقی می‌شود، معیارهای متعالی رفتار قضائی را به منصف ظهور برساند و ارتقا بخشد.»

ارزش دوم، تضمین بی‌طرفی قضائی: اصل بی‌طرفی که در فقه اسلامی نیز بر آن تأکید فراوانی گردیده، به این معناست که دستگاه قضائی به‌ویژه شخص دادرس باید کمال بی‌طرفی و مساوات را بین طرفین دعوا رعایت کند، دادرس نه تنها در اجرای قانون و تشریفات مربوط به دادرسی نباید بین طرفین فرق بگذارد (فرحزادی، ۱۳۹۷: ۴۹). سند رفتار قضائی بنگلور در ارزش دوم خود به تبیین اصل بی‌طرفی می‌پردازد و عنوان می‌کند که: بی‌طرفی برای ایفای منصب قضائی اساسی است و نه تنها خود تصمیم، بلکه فرایند تصمیم‌گیری را نیز دربر می‌گیرد (شاه‌حیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۷۷). بی‌طرفی ویژگی اساسی و الزامی قاضی و وصف محوری قوه قضائیه می‌باشد. بدیهی است که تضاد منافع ظاهری، رفتار قاضی در مسند قضایا معاشرت‌های وی در درون و بیرون دادگاه سبب ایجاد حس جانبداری یا تبعیض ناشی از عدم بی‌طرفی خواهد شد.

پرواضح است که احساس جانبداری، اعتماد عمومی را زائل می‌نماید. جانبداری ممکن است خود را به صورت لفظی یا عملی نشان دهد. برخی مثال‌ها عبارتند از: عناوین، نشان‌ها، القاب تحقیرآمیز، کلیشه‌های منفی، شوخی مبتنی بر کلیشه‌ها مانند موضوعات معنون در رابطه با فرهنگ و نژاد، اعمال تهدیدآمیز یا خصمانه و اشارات بی‌ربط به ویژگی‌های شخصیتی فرد، از جمله مصادیق جانبداری یا تبعیض می‌باشند که هم در سند رفتار قضائی بنگلور و هم در اصول فقه و مبانی شرعی و

ارزش چهارم، یکپارچگی: یکپارچگی برای انجام وظیفه شایسته و درخور دستگاه قضایی ضروری است. رفتار قاضی باید به‌گونه‌ای باشد که در نظر یک ناظر متعارف عاری از انتقاد تلقی شود. همچنین رفتار وی باید اعتماد مردم را به یکپارچگی نظام قضایی مستحکم نماید. هدف صرفاً اجرای عدالت نیست، بلکه این امر باید عادلانه هم به‌نظر برسد.

ارزش پنجم، رفتار صحیح یا نزاکت: رفتار صحیح و بروزدادن آن در کلیه فعالیت‌های عملی یک قاضی ضروری است. وی باید از منافع مالی شخصی و اعتباری خود اطلاع داشته باشد و به‌طور متعارف تلاش کند که این اطلاعات را درباره اعضای خانواده خود نیز به‌دست آورد. در عرصه اجرای صحیح وظایف قضایی، هر قاضی می‌تواند بنویسد، سخنرانی کند، آموزش دهد و در فعالیت‌های مرتبط با قانون، نظام قضایی، اجرای عدالت یا سایر موضوعات مرتبط شرکت نماید (شاه‌حیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

ارزش ششم، برابری: رفتار برابر و یکسان با تمام افراد در دادگاه‌ها شرط ضروری برای عملکرد صحیح دستگاه قضایی است. قاضی باید از تنوع موجود در جامعه و تفاوت‌های ناشی از معیارهایی مانند نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، ملیت، طبقه اجتماعی، ناتوانی، سن، وضعیت تأهل، تمایلات جنسی، وضعیت اجتماعی و اقتصادی و سایر زمینه‌های مشابه (زمینه‌های غیرمرتبط) آگاه باشد و آن را درک کند.

ارزش هفتم، قابلیت و پشتکار: یکی از سازوکارهای اساسی برای عملکرد صحیح دستگاه قضایی قابلیت و پشتکار می‌باشد. وظایف قضایی قاضی باید بر سایر فعالیت‌های وی اولویت داشته باشد. او باید تمام فعالیت‌های حرفه‌ای خود را به وظایف قضایی که برعهده دارد، اختصاص دهد. این امر نه‌تنها اجرای کلیه اعمال قضایی و مسؤولیت‌های درون دادگاه و صدور رأی را شامل می‌شود، بلکه وظایف دیگری را که به دستگاه قضایی یا اداره دادگاه مرتبط است نیز دربر می‌گیرد.

۲-۱-۲-۲- رفتارهای سلبی

سیستم حقوقی اسلامی قرن‌ها پیش ارزش‌های معنون در سند رفتار قضائی بنگلور را لحاظ نموده و مبنای دادرسی عادلانه قرار داده است. با عنایت به چارچوب‌های تعیینی در قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران و بررسی و مذاقه در

قانونی ما به‌طور مشروح در مورد آن بحث شده است. یکی از حقوق اساسی ضامن امنیت و تضمین حقوق شهروندان، حق بر دادرسی منصفانه است که به‌عنوان یکی از حقوق شناخته‌شده و بنیادین بشر، مورد توجه و تأکید اسناد جهانی و کنوانسیون‌های حقوق بشری بوده است. تحقق چنین حقی در رسیدگی دادگاه‌ها مستلزم رعایت اصول دادرسی است (خدری، ۱۳۹۳: ۱۴۰). مقام قضایی مستقل نیز کسی است که هیچ رابطه نزدیک و وابستگی مالی، شغلی و یا شخصی با یکی از طرفین دعوا یا نمایندگان قانونی آن‌ها نداشته باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت بی‌طرفی اصولاً یک نگرش ذهنی می‌باشد که به‌سختی قابل ارزیابی است، درحالی‌که استقلال لزوماً نمود خارجی آن چیزی است که به‌عنوان پیش‌زمینه آن نگرش ذهنی مطرح می‌شود و بررسی عینی ارتباط میان طرفین دعوی و مقام قضایی است (Shore & Yu, 2003: 935). اصول رفتار قضائی بنگلور با تأکید بر این امر که بی‌طرفی برای انجام صحیح وظایف دستگاه قضایی امری ضروری است و نه‌تنها بر اصل تصمیم، بلکه بر فرایند اخذ آن نیز اعمال می‌شود. کاربردهای این ارزش را به شرح ذیل عنوان نموده است: «قاضی باید وظایف قضایی خود را به دور از هرگونه تبعیض، تعصب یا پیش‌داوری اعمال نماید. وی باید با فعل خود در داخل و خارج دادگاه، اعتماد عموم، صاحبان مشاغل حقوقی و ارباب دعاوی را به بی‌طرفی قاضی و نظام قضایی حفظ کند و ارتقا بخشد. قاضی باید در حد متعارف به‌گونه‌ای رفتار کند که مواردی که الزاماً منجر به عدم صلاحیت قاضی برای استماع یک دعوی یا تصمیم‌گیری درخصوص آن می‌شود، به حداقل برسد، مانند مواردی که قاضی درباره یکی از طرفین دعوا تعصب یا پیش‌داوری داشته و یا به موضوعاتی که به‌عنوان دلیل اقامه شده و محل اختلاف هستند، علم شخصی داشته باشد یا مواردی که قاضی قبلاً به‌عنوان وکیل یا شاهد اصلی در موضوع متنازع‌فیه انجام وظیفه کرده باشد یا قاضی یا یکی از اعضای خانواده وی، در نتیجه موضوع متنازع‌فیه منافع اقتصادی داشته باشد.»

ارزش سوم، سلامت: سلامت برای اجرای شایسته مسؤولیت قضائی اساسی است. ارکان سلامت، صداقت و رعایت اصول اخلاق قضائی است. به‌عبارت‌دیگر در دستگاه قضائی، سلامت، چیزی بیش از یک مزیت و بلکه یک ضرورت است. قوانین موضوعه و فقه اسلامی ما نیز بر این اصل تأکید زیادی دارند.

انجام تکالیف مقرر قانونی، قاضی باید تابع استانداردهای مصوب باشد. او مکلف است فعالیت‌های فردی و غیرقضایی خود را به‌گونه‌ای انجام دهد که مغایر با وظایف قضایی نباشد. قاضی می‌تواند در فعالیت‌های غیرقضایی، از جمله فعالیت‌های حقوقی، مدنی، خیریه، آموزشی، مذهبی، اجتماعی، مالی، امانی و دولتی مشارکت داشته و موضوعات حقوقی و غیرحقوقی فعالیت نماید. باین‌حال نباید در فعالیت‌های غیرقضایی وارد شود که شأن منصب قضایی را زیر سؤال برده، انجام تکالیف قضایی را دشوار کرده، بی‌طرفی او را تضعیف نموده و منجر به عدم صلاحیت مکرراً و یا نقض محدودیت‌های مقرر قانونی شود.

فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قاضی باید در چارچوب‌های تعیین‌شده قرار گرفته و عملکرد قضایی وی را تحت تأثیر قرار نداده و باعث رفتارهای خلاف قانون، شرع، شأن و عرف از سوی وی نشود.

دومین مورد، استقلال قضایی: قاضی نباید عالملاً درخصوص دعوایی که نزد وی در جریان است یا طرح خواهد شد، اظهاراتی نماید که به‌طور متعارف بر نتیجه دعوا تأثیرگذار تلقی شود یا عادلانه‌بودن جریان آن را مخدوش نماید. وی باید از رسیدگی به دعوای‌ای که امکان تصمیم‌گیری بی‌طرفانه درخصوص آن را ندارد یا از دید هر ناظر متعارفی قادر به تصمیم‌گیری بی‌طرفانه درخصوص مورد نیست، خودداری ورزد و اعلام عدم صلاحیت کند.

مورد سوم، رفتار صحیح: همان‌گونه که ذکر گردید، رفتار صحیح و بروزدادن آن در کلیه فعالیت‌های عملی یک قاضی ضروری است. بنابراین قاضی باید از رفتار ناصحیح و بروزدادن آن در فعالیت‌هایش پرهیز کند. وی به‌عنوان فردی که همواره زیر ذره‌بین افکار عمومی است، باید محدودیت‌های شخصی را که از دیدگاه یک شهروند معمولی شاق و طاقت‌فرسا به‌نظر می‌رسد، آزادانه و با طیب خاطر پذیرا باشد، به‌ویژه باید به‌گونه‌ای رفتار کند که مطابق با شؤونات دستگاه قضایی باشد. قاضی باید در ارتباطات شخصی خود با افرادی که به‌طور مرتب در دادگاه وی به ایفای مشاغل قضایی مشغول‌اند، از ایجاد وضعیت‌هایی که به‌طور متعارف موجب ایجاد بدگمانی یا بروز حالت تبعیض یا جانبداری می‌شود، پرهیز نماید. وی نباید در تصمیم‌گیری راجع به دعوایی که یکی از اعضای خانواده وی، در آن طرف دعواست یا به هر طریقی به آن دعوا مرتبط است،

اصول سند رفتار قضائی بنگلور که مورد پذیرش مسؤولین بالادستی و جامعه حقوقی ایران است، عدم رعایت اصول شش‌گانه فوق‌الذکر که از آن‌ها به‌عنوان شش ارزش در این سند بین‌المللی نام برده شده و مورد قبول بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا می‌باشد، خود مصداق بارز رفتارهای سلبی قضایی است. بنابراین از مهم‌ترین معیارهای رفتارهای سلبی درون و بیرون از سازمان می‌توان به‌طور خلاصه به مباحث ذیل‌الذکر اشاره نمود:

اولین مورد، عدم رعایت بی‌طرفی: دادرسی باید در تمام زمینه‌ها اعم از اجرای قانون و تشریفات مربوط به دادرسی و یا رفتارهای فردی خود در مقابل اصحاب دعوی، مانند سخن‌گفتن، نگاه کردن، توجه‌نمودن و سایر برخوردها نسبت به اصحاب دعوا رفتار یکسان داشته باشد. فقها این امر را نه به‌عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک واجب شرعی بیان نموده‌اند که عدم رعایت آن موجب خروج دادرسی از عدالت خواهد بود (فرحزادی، ۱۳۹۷: ۴۹). قاضی محکمه باید نهایت توجه را داشته باشد که رفتار وی در دادگاه به‌عنوان تبعیض یا جانبداری از سوی طرفین دعوی یا ثالث محسوب نگردد. بدیهی است که اظهارات توهین‌آمیز یا نامناسب نسبت به خواننده، خواهان، شهود یا مطلعین، وکلا و یا هر ثالث دیگری، پیش‌داوری و رفتار نامتعادل از مصادیق عینی جانبداری در دادگاه به‌شمار می‌آید.

در سند بین‌المللی بنگلور در ذیل عنوان بی‌طرفی اعضای عضو مصوب نمودند که «قاضی باید تضمین کند که رفتار او در داخل و خارج از دادگاه، اعتماد عموم، جامعه حقوقی و دو طرف دعوی را نسبت به بی‌طرفی قضات و دستگاه قضایی حفظ و تقویت نماید (شاه‌حیدری‌پور، ۱۳۹۶: ۷۵).

وی باید استقلال و سلامت دستگاه قضایی را حفظ و تقویت کند. این امر لازمه عدالت در جامعه بوده و دفاع از آراء و احکام دادگاه‌ها منوط به اعتماد عمومی به سلامت و استقلال قضات است، وی باید از رفتار خلاف شأن و نمود بی‌نزاکتی در همه فعالیت‌ها اجتناب نماید. احترام به قانون، اجتناب از تأثیرپذیری از امر یا کسی در رفتار قضایی و صدور حکم و عدم اعمال تبعیض، از جمله معیارهای نزاکت هستند. همچنین او باید وظایف منصب قضایی را بی‌طرفانه، منصفانه و با پشتکار انجام دهد، تکالیف منصب قضا بر هر فعالیت دیگری اولویت دارد. در

میان افراد مرتبط با موضوعی که در دادگاه در حال رسیدگی است، فرق قائل شوند.

در نهایت قابلیت و پشتکار: قاضی نباید درگیر رفتارهایی شود که مغایر با اجرای مستمر وظایف قضایی است، چنانچه این امر اتفاق بیفتد، قابلیت و پشتکار که یکی از معیارهای ایجابی رفتار قضائی برای بهبود عملکرد است، مورد تردید قرار می‌گیرد.

۲-۲-۲- فقه اسلامی

با عنایت به اینکه قوانین موضوعه کشور جمهوری اسلامی ایران برمبنای فقه جزایی می‌باشد، علیهذا یکی از مهم‌ترین شاخص‌های معیارهای تعیینی متصدیان منصب قضا که توسط فقهای عظام در ادوار مختلف بیان گردیده، فقه اسلامی است. اصل یکصدوشصت‌وسوم به صراحت بیان می‌دارد که: «صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به‌وسیله قانون معین می‌شود.» امام خمینی در این باره این‌گونه اظهارنظر می‌نماید: «صفات قاضی عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد، مطلق، مرد بودن، حلال‌زادگی، اعلیت نسبت به افراد شهر و محله خویش و داشتن حافظه قابل اعتماد به احتیاط واجب» (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۵).

شیخ طوسی در این زمینه تقریر نموده: «سزاوار است که کسی امر قضاوت را به‌عهده نگیرد، مگر اینکه مطمئن باشد توان قیام به این کار را دارد. کسی می‌تواند چنین ادعایی را داشته باشد که عاقل، کامل، عالم به علوم قرآن از ناسخ و منسوخ، عام و خاص، واجب و مستحب و محکم و متشابه آن باشد و همین‌طور به سنت و ناسخ و منسوخش عارف باشد و در فهم لغت و ادبیات عربی مهارت داشته باشد، از امور حرام بپرهیزد و نسبت به دنیا زاهد و سعی و همتش بر انجام اعمال صالح باشد و از گناهان کبیره و صغیره اجتناب کند و از هوا و هوس به‌شدت دوری‌گزیند و بر تقوا حریص باشد» (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۳۸).

محقق حلی در زمینه صفات قاضی این‌گونه عنوان می‌نماید: «در قاضی بلوغ، کمال عقلی، ایمان، عدالت، طهارت مولد، علم و مرد بودن شرط است. بنابراین قضا برای صبی، هرچند نزدیک بلوغ باشد و کافر جایز نیست، زیرا کافر اهل امانتداری نیست و مثل او فاسق است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۵۹). فقهای دیگر نیز مانند علامه حلی به‌همین مضامین، هفت شرط برای قاضی برشمرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۲۱).

محقق عاملی می‌نویسد: «دلیل بر شرایط هفت‌گانه در قاضی اجماع محصل و منقول است، بزرگانی مانند شهید ثانی در

شرکت نماید. همچنین او نباید اجازه دهد که صاحبان مشاغل قضایی برای پذیرایی از موکلان یا سایر افراد شاغل در حرف قضایی، از اقامتگاه وی استفاده نمایند.

قاضی همچون سایر شهروندان از حق آزادی بیان، عقیده و شرکت در تشکله‌ها و گروه‌هایی‌ها برخوردار است، ولی نباید با اعمال این حقوق به‌گونه‌ای رفتار کند که شؤونات دستگاه قضایی و بی‌طرفی و استقلال نظام قضایی مخدوش گردد. وی نباید به خانواده، اجتماع یا سایر وابستگان خود اجازه دهد که به‌طور ناروا بر رفتار قضائی وی و قضاوتش به‌عنوان قاضی تأثیر بگذارند. متصدی منصب قضا نباید از اعتبار دستگاه قضایی برای تحصیل منافع شخصی برای خود، یکی از اعضای خانواده خود یا هر شخص دیگری بهره بگیرد و نیز نباید این تصور را ایجاد کند یا به دیگران اجازه ایجاد این تصور را بدهد که کسی نزد وی چنان جایگاهی دارد که قادر است در اجرای وظایف قضایی به‌طور ناروا بر وی تأثیر گذارد. اطلاعات شغلی‌ای که قاضی در نتیجه سمت قضایی خود تحصیل می‌کند، نباید در موارد غیرمرتبط به وظایف قضایی، مورد استفاده قرار گیرد یا فاش شود.

قاضی مادام که در استخدام دستگاه قضایی است، نباید وکالت کند. وی و اعضای خانواده‌اش نباید درباره اموری که در مسیر ایفای وظایف قضایی خود انجام داده یا باید انجام دهد یا باید از انجام آن خودداری کند، هر نوع هدیه‌ای اعم از وصیت، وام یا امتیازی تقاضا کند یا آن را بپذیرد، قاضی نباید عالماً به کارمندان دادگاه یا کسانی که تحت نفوذ، سرپرستی یا اختیار وی قرار دارند، اجازه دهد که درباره اموری که در مسیر ایفای وظایف یا اعمال قضایی خود انجام داده‌اند یا باید انجام دهند یا از انجام آن خودداری کنند، هر نوع هدیه، وصیت در مورد اموال، وام یا امتیازی تقاضا کنند یا آن را بپذیرند.

چهارم، برابری: که به‌معنای رفتار برابر و یکسان با تمام افراد در دادگاه‌ها برای عملکرد صحیح دستگاه قضایی است. بنابراین قاضی نباید با قول یا فعل خود در مواردی که به ایفای وظایف قضایی می‌پردازد، برمبنای زمینه‌های غیرمرتبط، جانبداری یا تعصبی را درخصوص یک شخص یا گروه بروز دهد. همچنین وی نباید عالماً به کارمندان دادگاه یا سایر کسانی که تحت نفوذ، سرپرستی یا نظارت او هستند، اجازه دهد که بی‌جهت

وی نام برد. بدیهی است که این گونه صلاحیت‌ها و قابلیت‌هایی نظیر این مورد که به‌عنوان یک صلاحیت ایجابی برای قضات در طی دوران خدمتشان در نظر گرفته می‌شود، در زمان قدیم وجود نداشته و به‌طور خلاصه در مبحث علم مطرح گردیده است.

۲-۲-۳- سیستم حقوقی ایران

همان‌گونه که در مطالب اخیر ذکر گردید، سابقه تقنینی قوانین و مقررات انتظامی قضات در ایران به‌جهت تعیین رفتارهای سلبی و ایجابی دارای قدمتی طولانی نمی‌باشد، اما با ملاحظه قوانین موضوعه، برخی از بایدها و نبایدها توسط قانون‌گذار ما تعیین گردیده است که به اجمال مورد بحث قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین ارکان قضاوت که رفتارهای قضائی بر آن استوار می‌گردند، بحث استقلال قضات است قانون‌گذار در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری صراحتاً عنوان می‌نماید: «مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی‌شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند». همچنین مقنن در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری بحث لزوم رعایت حقوق شهروندی را توسط مقام قضائی و سایرین بیان نموده و عنوان می‌کند که: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۰۴/۰۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.»

ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار به‌طور کلی از استقلال قضائی و حفظ حقوق شهروندی و نقض آن بحث می‌نماید و میزان و چارچوب رعایت و عدم رعایت آن کاملاً مشخص نبوده که باید به قوانین دیگر و دکترین مراجعه نمود. مطابق ماده ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضات، مجازات‌های انتظامی قضات سیزده درجه تعیین گردیده‌اند که کمترین آن توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی و شدیدترین آن انفصال دائم از خدمات دولتی است. در ماده ۱۷ نیز قانون‌گذار به افعالی اشاره دارد که مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده را برای قاضی

مسالک و محقق سبزواری در کفایه الاحکام و فیض کاشانی در مفاتیح الشرایع به هر دو قسم از اجماع تصریح کرده‌اند. علاوه بر اجماع، هرکدام از این شرایط، دلیل جداگانه‌ای دارد، از جمله شرایط اینکه صبی نباشد، چه مراهق و نزدیک بلوغ و چه غیر آن، عدم ولایت صبی بر خود و تصرفاتش می‌باشد، پس به‌طریق اولی صلاحیت ندارد بر مردم ولایت داشته باشد و همین‌طور مجنون نیز به حکم صبی است که ممنوع‌التصرف و محجور است، خواه مجنون دائمی باشد یا فصلی، نسبت به کافر نیز خداوند سلطه او را بر مسلمانان نفی کرده و فاسق چه امامی باشد یا غیرامامی قابل اعتماد نیست. وقتی امامتش در نماز و شهادت و فتوایش پذیرفته نشود، قضاوتش به‌طریق اولی مقبول نخواهد بود. ایمان شرط است به‌سبب ورود روایاتی که نهی کرده از تحاکم به سوی غیر امامیه» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۶۴). عدم لیاقت جاهل برای منصب قضا واضح و روایت در این مورد متعدد است (عاملی، بی‌تا: ۱۰/۹).

همان‌گونه که بیان گردید، از دیرباز فقه اسلامی شرایط تصدی منصب قضا از حیث صفات شخصی به‌منظور احراز صلاحیت عام و اهلیت و شروط ابقای این صلاحیت را به‌طور کامل بیان نموده است، درحقیقت معیارهای احراز صلاحیت شخصی متصدیان منصب قضا به‌طور کلی و عمومی تعیین گردیده است، هرچند به تناسب گذشت زمان برخی از شرایط تکمیل و یا تعدیل گردیده است. به‌عنوان مثال، رجلیت یکی از شرایط اصلی تصدی این منصب خطیر می‌باشد، درحالی‌که در عصر حاضر برخی از زنان نیز در این رسالت مشغول به خدمت می‌باشند یا شرط مجتهدبودن قاضی که درحال حاضر با عنایت به مآذون‌بودن اکثر قضات منصوب دیگر اعمال نمی‌گردد. به‌عبارت‌دیگر این صفات شرط لازم برای ورود و تصدی منصب قضا می‌باشد، اما شرط کافی برای حفظ آن نیست، زیرا همان‌گونه که بیان گردید، شروط اختصاصی دیگری هم از بطن این شروط عمومی استخراج و به‌تناسب زمان اعلام گردیده است که افراد متصدی لازم به رعایت آن‌ها می‌باشند.

به‌عنوان مثال درحال‌حاضر یکی از گزینه‌هایی که در زمینه ارزشیابی قضات مورد توجه قرار می‌گیرد میزان آگاهی آن‌ها از سیستم‌های رایانه‌ای و برنامه‌های مرتبطی است که در قوه قضائیه به‌کار می‌رود، در این زمینه می‌توان از نرم‌افزار سیستم مدیریت پرونده (CMS) و آشنایی مقام قضائی و میزان مهارت

سلب صلاحیت قضائی مندرج در قانون نظارت بر رفتار قضات که آیین‌نامه نسبت به آن توضیح داده است، اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، ترجمه رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده ۱ قانون تجارت است. در این باره آیین‌نامه جدید این قانون مقرر کرده است، در صورتی که قاضی قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون مبادرت به اخذ پروانه مشاغل موضوع قانون کرده باشد، باید در اسرع وقت پروانه خود را به مرجع مربوط تحویل دهد و تا زمانی که به شغل قضا اشتغال دارد، حق فعالیت در مشاغل مزبور و نیز اشتغال به موارد مذکور در ماده ۲ قانون تجارت را ندارد.

موارد سلبی دیگری که در قانون نظارت بر رفتار قضات مطرح گردیده است، می‌توان به تخلفات ذیل اشاره نمود:

۱- درج نکردن مشخصات خود یا امضانکردن زیر صورت‌جلسات، اوراق تحقیق و تصمیمات یا ناخوانا نوشتن یا به کاربردن کلمه یا عبارت سبک و ناپسند.

۲- عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا تأخیر غیر موجه کمتر از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن.

۳- عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضای آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه.

۴- عدم نظارت منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضایی بر عملکرد اداری شعب.

۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضایی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط.

۶- بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌هایی که قاضی موظف به شرکت در آن‌هاست، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی.

۷- غیبت غیر موجه و حداکثر به مدت یک تا پنج روز متوالی یا متناوب در یک دوره سه‌ماهه.

متخلف موجب می‌گردد که از جمله آن به رفتار خلاف شأن قضایی اشاره شده است. در تبصره آن نیز رفتار خلاف شأن را در دو مورد تعریف نموده که یا انجام جرم عمدی توسط قاضی مصداق آن است و یا اینکه فعل قاضی در عرف مسلم قضات عملی مذموم و ناپسند تلقی شود. با توجه به روح حاکم بر مواد این قانون که به جز یک مورد، به تشویق قضات اشاره نموده است و آن هم مربوط می‌شود به وظیفه دادرسی انتظامی در خصوص پیشنهاد تشویق قضات دارای خدمات علمی برجسته به رییس قوه قضائیه است، در سایر موارد نحوه نگارش آن به گونه‌ای است که رویکرد منفی نسبت به قضات از آن استنباط می‌شود. از این رو در تعریف شأن قضایی نیز تنها به موارد سلبی توجه گردیده است.

در فصل اول و دوم آیین‌نامه قانون نظارت بر رفتار قضات قانون‌گذار به بررسی تشکیلات و تخلفات انتظامی قضات پرداخته و تنها در ماده ۱۲ آیین‌نامه قانون‌گذار اقدام به تشریح برخی از رفتارهای سلبی قضائی می‌نماید، ماده ۱۲ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «منظور از عمل خلاف عرف مسلم قضات موضوع تبصره بند ۶ ماده ۱۷ قانون هر فعل یا ترک فعلی است که موجب تخفیف جایگاه قاضی یا ایجاد بدبینی یا بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی گردد، مانند استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی، تندخویی نسبت به مراجعین یا همکاران دفتری و قضایی، استفاده از لباس نامناسب و غیرمعارف در ملاء عام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلا یا کارشناسان، هم‌نشینی با افراد ناپاب و کسانی که دارای سوء شهرت هستند.» قانون‌گذار همچنین در آیین‌نامه اخیرالذکر به بیان برخی دیگر از تخلفات قضایی به‌عنوان معیارهای سلبی رفتار قضائی پرداخته است که در قوانین نظارتی سابق بعضاً به طور پراکنده یا ناقص وجود داشت.

یکی از تخلفات قضات عبارت است از بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌هایی که قاضی موظف به شرکت در آن‌هاست، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی است. آیین‌نامه فوق در مورد این مقرر توضیح داده است که اگر جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌های ذکر شده در قانون که قاضی در آن‌ها شرکت نکرده است، در وقت غیر اداری باشد، تنها در صورتی تخلف محسوب می‌شود که قبلاً تمایل قاضی اخذ شده باشد. همچنین از دیگر موارد رفتارهای

۸- اهمال در انجام وظایف محوله.

۹- اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی.

از جمله مواد قانونی دیگر در زمینه مقررات مصوب قانونی رفتار قضات ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی است که موارد در دادرسی در امور مدنی (حقوقی) یا به عبارتی برخی از موارد سلبی صلاحیت قضات را پیش‌بینی کرده است. براساس این ماده، دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نماید و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند. به عبارت دیگر، در صورتی که یکی از موارد زیر وجود داشته باشند، خوددادرسی باید از رسیدگی امتناع کند. همچنین هریک از طرفین نیز می‌توانند دادرسی را رد کنند. موارد در دادرسی را می‌توان این‌گونه مطرح نمود:

- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.

- دادرسی، قیّم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین، مباشر یا متکفل امور دادرسی یا همسر او باشد.

- دادرسی یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.

- دادرسی سابقاً در موضوع اقامه شده به عنوان دادرسی یادآور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد.

- بین دادرسی و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

- دادرسی یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.

مشابه قانون اخیرالذکر، از جمله قوانین دیگری که رفتارهای سلبی قضات در آن به‌طور صریح بیان گردیده است ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد که مفاد آن بسیار شبیه به ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی است. در نص این ماده هم قانون‌گذار با تغییرات بسیار جزئی، عیناً به موارد نص ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی اشاره می‌نماید و از آن‌ها به‌عنوان علل در دادرسی یاد نموده و به عبارتی برخی از علل سلبی سازمانی را برای قاضی بیان می‌نماید.

چنانچه تمامی این قوانین را مورد تدقیق قرار دهیم، آنچه آشکار می‌شود این است که قانون‌گذار بیشتر بر تعیین مجازات‌های تخلفات و جرایم انتظامی قضات تأکید داشته و چارچوب‌ها و معیارهای رفتاری کاملی را برای جلوگیری از این تخلفات انتظامی بیان ننموده است که این امر خود جای تأمل دارد، زیرا مشخص نمودن حدود موارد ممنوعه از موارد الزامی قواعد صحیح رفتاری می‌باشد، هرچند که در گوشه و کنار این قوانین برخی از باید‌ها و نبایدها به‌صورت ناقص عنوان گردیده است. به‌عنوان مثال، در آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار ابتدا به بررسی کلیات می‌پردازد، سپس در ماده ۲ بیان می‌نماید که: «نظارت انتظامی بر عملکرد و رفتار قضات از حیث رعایت شؤون قضایی و رسیدگی به تخلفات و صلاحیت قضایی آن‌ها براساس قانون و آیین‌نامه می‌باشد» یا در ماده ۲۴ آیین‌نامه نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی اموری از قبیل موارد ذیل بیان می‌گردد:

- رعایت نزاکت و اخلاق و آداب اسلامی.

- حسن خلق با همکاران و ارباب رجوع.

- رعایت شأن قضایی.

- حسن شهرت.

- توانائی جسمی و روحی.

- دانش و مهارت قضایی.

- کیفیت و کمیت کار قضایی.

- قدرت استنباط و شم قضایی.

- شجاعت و استقلال قضایی.

- رعایت نظم و انضباط اداری.

- نظارت بر امور دفتری.

- دانش و مهارت بهره‌برداری از اطلاعات و فناوری ارتباطات.

- توجه به جهات پیشگیرانه و تربیتی در امور قضایی.

ملاحظه می‌گردد که باز هم معیارهای کلی مورد توجه قرار گرفته است، هرچند به واقع برخی از این معیارها کیفی هستند،

این وادی حاوی شرایط سلبی و ایجابی و همچنین معیارهای اخلاق قضائی جهت انجام بهینه وظایف متصدیان این امر می‌باشد. معیارهای رفتارهای قضائی درحقیقت الزاماتی سلبی و ایجابی هستند که قضات ضرورتاً ذیل آن عناوین باید به ایفای نقش در داخل و خارج دادگاه پرداخته و وظایف خود را انجام دهند. به عبارتی این اصول بیان‌کننده عالی‌ترین مفاهیم مرتبط با کارکردهای قضائی بوده که در همه فرهنگ‌ها و نظام‌های حقوقی متبلور شده است. پرواضح است که تعیین معیارهای رفتاری سلبی و ایجابی برای مشخص نمودن حیطه وظیفه و جلوگیری از خطاهای احتمالی از یک سو و بالابردن راندمان، بهره‌وری و کارایی دستگاه قضا و تحقق دادرسی عادلانه و حکومت قانون که بالاترین هدف این سیستم می‌باشد، از سوی دیگر الزامی است. بنابراین ضروری است که معیارهای رفتاری هم داخل و هم خارج از دادگاه معین شود.

اسناد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوتی در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، لکن یکی از جامع‌ترین اسناد بین‌المللی در موضوع اخیرالذکر، سند بین‌المللی بنگلور است که حاوی شش ارزش بنیادین استقلال، بی‌طرفی، سلامت، نزاکت، برابری و صلاحیت و پشتکار است. بدیهی است باتوجه به خلأ وجود یک سند اخلاق قضائی جامع در نظام قضائی ایران بررسی مطالب اخیرالذکر الزامی می‌باشد. اصول رفتار قضائی بنگلور با نگاهی اخلاقی و آرمانگرایانه، قواعد رفتاری قضات را بیان نموده که قابل استفاده در نظام حقوقی داخلی می‌باشد، زیرا معیار بایدها و نبایدها در رفتارهای قضایی اخلاق می‌باشد هر آنچه ناقض اخلاق است به‌عنوان رفتار سلبی و آنچه اخلاق را تقویت می‌کند، رفتار ایجابی است.

از متن سند رفتار قضائی بنگلور به‌مانند هر متن فراملی دیگری انتظار نمی‌رود که کاملاً منطبق بر آموزه‌های دینی و اخلاقی حکومت‌های اسلامی باشد، اما واقعیت این است که چون مبنای تصویب آن اخلاق بوده و آموزه‌های دینی و مذهبی ما هم براساس اخلاق بنا گذاشته شده‌اند، بنابراین رفتارهای سلبی و ایجابی سند رفتار قضائی بنگلور انطباق زیادی با آموزه‌های دینی و قانونی ما در مورد رفتارهای ایجابی و سلبی قضائی دارد. بنابراین می‌توان گفت این سند بنیادین به‌گونه‌ای اخلاق‌مدارانه تهیه شده که حتی در جوامع مذهبی، مانند اسلام نیز قابلیت پذیرش دارد. این سند، اصول و ارزش‌های اساسی

لکن برای سنجش برخی دیگر باید معیار کمی معین گردد، مانند صراحت نص ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۲ که در آن قانون‌گذار اقدام به تعریف رفتار خلافشان قاضی نموده و استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی، تندخویی نسبت به مراجعین یا همکاران دفتری و قضایی، استفاده از لباس نامناسب و غیرممتعارف در ملاءعام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلا یا کارشناسان، هم‌نشینی با افراد ناباب و کسانی که دارای سوءشهرت هستند را از مصادیق بارز رفتارهای خلافشان این صنف قرار داده است.

چنانچه ملاحظه می‌گردد این امر بدیهی است که با لحاظ قوانین خاص اخیرالتصویب در سنوات نزدیک و برخی از تصریحات قانونی در این زمینه، هنوز این مقررات نیاز به تکمیل دارند، لکن اگر نگاه گذرای دیگری بر قوانین رفتار قضائی بنگلور داشته باشیم، کلیه اصول ایجابی و سلبی معنون در قوانین موضوعه و فقه اسلامی در این سند رفتاری تجمیع گردیده است با این تفاوت که سند مذکور به صراحت چارچوب‌های رفتار قضائی را مشخص نموده، به خلاصه‌گویی بسنده نکرده و در تمامی ارزش‌های معنون علاوه بر تعریف کامل و جامع آن اصل، به بیان رفتارهای ایجابی و سلبی مورد نظر پرداخته است. بنابراین با عنایت به اخلاق‌مداربودن این اصول می‌توان استفاده شایسته‌ای از آن در باب تکمیل قوانین رفتاری قضائی نمود.

نتیجه‌گیری

پایبندی به تعهدات وظیفه‌خطیری است که باید در تمامی مشاغل موردنظر قرار گیرد، لکن مقدمه ایجاد عدالت در جامعه رعایت اصول اخلاقی توسط متصدیان امر قضا می‌باشد. اهمیت صلاحیت اخلاقی، علمی و حرفه‌ای قضات باعنایت به رابطه تنگاتنگ و همپوشانی عدالت و اخلاق لزوم تعیین و رعایت معیارهای رفتار قضائی به‌منظور اتخاذ رویکرد شایسته‌سالاری و انتخاب اصلح در جذب و استخدام قضات و آموزش پودمانی برای تربیت قضات دارای دانش، مهارت، اخلاق و تعهد حرفه‌ای و پیش‌بینی طرقی جهت نظارت و کنترل به‌منظور نگاهداشت آن‌ها در طول خدمت الزامی است. برای تحقق سلامت قضائی وجود استانداردهایی جهت تعیین معیارهای رفتار حرفه‌ای قضاوت و ایجاد رویه‌ای قانونمند و منسجم برای نظم‌بخشی رفتارهای قضائی الزامی است. مباحث مطروحه در

قضات مصوب سال ۱۳۹۰ و آیین‌نامه اجرایی آن و امثالهم، لکن این امر بدیهی است که باعنایت به اجمال‌گویی و عدم شفافیت در قوانین اخیرالذکر و تنها اکتفا به عنوان مجازات‌ها بدون شرح برخی از بایدها و نبایدها و تعیین چارچوب مناسب برای آن‌ها، قوانین فوق از مسیر عدالت فاصله گرفته و اهداف عالیه موردنظر را تأمین نمی‌نمایند، چراکه مشخص نمودن حدود موارد ممنوعه از موارد الزامی قواعد صحیح رفتاری می‌باشد. سیستم حقوقی اسلامی ما قرن‌ها پیش ارزش‌های معنون در سند رفتار قضائی بنگلور را لحاظ نموده و مبنای دادرسی عادلانه قرار داده است، لکن ابهام در تعیین حدود و مقیاس رفتارهای سلبی و ایجابی در زمینه رفتار قضائی، عدم شفافیت و عدم وجود منبع جامعی در این زمینه باعث اشکالاتی در روند اجرای این ارزش‌ها هم برای متصدیان امر قانون‌گذاری و هم برای قضات محترم گردیده است.

باعنایت به چارچوب‌های تعیینی در قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران و بررسی و مذاقه در اصول سند رفتار قضائی بنگلور که مورد پذیرش مسئولین بالادستی و جامعه حقوقی ایران است. پیشنهاد می‌گردد مسئولین امر در ابتدا به بیان و تشریح معیارهای سلبی و ایجابی و تعیین چارچوب‌های رفتارهای قضائی به‌طور کامل، مفصل و شفاف پرداخته و متعاقب آن نتایج تخطی از این امور را بیان نمایند، چراکه این‌گونه تبیین مسائل، انطباق بیشتری با اصول و قواعد فقهی، حقوقی و قوانین مصوب داشته و عدالت نمود بهتری پیدا می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

سپه‌م نویسنده‌گان: نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

رفتار قضایی را بر مبنای ایجاد یک چارچوب قضایی برای نظام‌بخشی رفتار قضائی تبیین نموده است، و از آنجاکه نتیجه یک مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا است، در پی ارائه استاندارد رفتار قضایی و تقویت یکپارچگی قضایی می‌باشد و در اکثر موارد موضوعاتی را مطرح می‌نماید که در نظام حقوقی اسلام نیز دارای سابقه‌ای دیرین است.

باعنایت به این مهم که رفتار مطلوب قضات لازمه یک دادرسی عادلانه می‌باشد، علی‌هذا معیارهای ایجابی رفتارهای قضائی فردی و سازمانی در داخل و خارج از دادگاه شامل هوشمندی، شم قضایی، مهارت‌های ادراکی، مدیریت محیط، شجاعت، دانش قضایی، تفکر راهبردی، تعالی جویی، توان مذاکره و ارتباطات، هدف‌گذاری، دانش حقوقی، مدیریت رفتارهای سیاسی، آگاهی محیطی، پاکدامنی، سرمایه اجتماعی، شایسته‌سالاری، اخلاق‌مداری، نظم و آراستگی، تعهد و عدالت، رفتار شهروندی، نظارت و کنترل، اخلاق قضایی، برنامه‌ریزی در کنار ارزش‌های بنیادینی مثل استقلال، تضمین بی‌طرفی قضایی، تقویت کارآمدی قضایی، پاک‌دستی و صداقت در انجام تکلیف، حفظ شوون قضایی، تقویت خودارتقایی، شکوفایی، محدودیت‌های فعالیت‌های غیر قضایی و سایر مباحث مربوطه در ذیل این عناوین و تعیین معیارهای سلبی فردی و سازمانی رفتار قضائی شرایط تحقق یک دادرسی منصفانه را با توجه به حکومت قانون فراهم می‌نماید.

با تدقیق در مباحث مطروحه و قوانین موضوعه دولت جمهوری اسلامی ایران، با وجود پذیرش تمامی ارزش‌های سلبی و ایجابی رفتارهای قضائی، قانون‌گذار به‌جای تشریح و تدوین ارزش‌های فوق‌الذکر و بیان حدود و ثغور مرزهای مربوطه جهت شناخت بهتر و رعایت این اصول توسط متصدیان امر، بیشتر بر تعیین مجازات‌های تخلفات و جرایم انتظامی قضات تأکید داشته و چارچوب‌ها و معیارهای رفتاری کاملی را برای جلوگیری از این تخلفات انتظامی بیان ننموده است که این امر خود جای تأمل دارد، هرچند که در گوشه و کنار این قوانین برخی از بایدها و نبایدها به‌صورت ناقص عنوان گردیده است. به‌عنوان مثال موادی از قانون اصول تشکیلات عدلیه، قانون مجازات عمومی و نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آن‌ها مصوب سال ۱۳۰۴، قانون نظارت بر رفتار

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابن بابویه، محمد بن علی الصدوق (۱۳۶۲). *الخصال*. چاپ اول، قم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق کیفری بین‌الملل*. تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات. مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹). *ترمینولوژی حقوقی*. چاپ سی‌ودوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (بی‌تا). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- خدری، صالح (۱۳۹۳). «اصول دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۴(۴): ۵۲۷-۵۴۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۶). *المفردات فی غریب القرآن راغب اصفهانی*. تهران، انتشارات آراس.
- زرژگوریج (۱۳۷۱). *مسائل جامعه‌شناسی*. ترجمه مصطفی رحیمی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- شاهچراغ، سیدحمیدرضا (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مسؤولیت مطلق کیفری در حقوق ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۸: ۷۷-۱۱۴.
- شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی (۱۳۹۶). *شرح اصول رفتار قضائی* (بنگلور). تهران: خرسندی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عراقی، آقاضیاءالدین (بی‌تا). *القضاء*. قم: چاپخانه مهر.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تذکره الفقهاء*. چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- فرحزادی، علی‌اکبر (۱۳۹۷). «معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی (دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)*، ۵(۱۹): ۳۷-۸۰.
- قانون استخدام قضات و صاحب منصبان پارکه و مباشرین ثبت اسناد. مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۸.
- قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تکمیل قانون استخدام قضات. مصوب ۱۳۱۷/۱۰/۱۱.
- قانون اصول تشکیلات عدلیه. مصوب ۱۳۰۷/۰۴/۲۷.
- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات. مصوب ۱۳۷۶/۰۲/۱۷.
- قانون صلاحیت محکمه انتظامی. مصوب ۱۳۰۹/۰۸/۱۳.
- قانون نظارت بر رفتار قضات. مصوب ۱۳۹۲.
- کاظم‌زاده، علی (۱۳۹۱). *تنقیح و تحلیل مقررات انتظامی قضات*. تهران: چاپخانه روزنامه جمهوری اسلامی ایران.
- لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات. مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرادیان، مهدی (۱۳۹۷). *تحقیقات قضائی*. چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). *تقد و بررسی مکاتب اخلاقی*. تهران: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- یاسینی، علی (۱۳۹۵). «ارائه الگوی سوءرفتار سازمانی معلمان در مدارس دولتی با رویکرد طولی». *دوفصلنامه مدیریت برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزش*.

ب. منابع انگلیسی

- Code of Judicial Ethics dated 21.11.2016 (adopted by the VII Congress of Judges of the

Republic of Kazakhstan on November 21, 2016).
<https://www.sud.gov.kz>.

- Colbert, A., Mount, M., Harter, J., Witt, L & Barrick, M (2004). "Interactive Effects of Personality and Perceptions of the Work Situation on Workplace Deviance". *Journal of Applied Psychology*, 89(4): 599-609.

- MacKay, W (1998). "*Judicial Ethics: Exploring Misconduct and Accountability for Judges*". Report to the Commonwealth Judicial Education Institute.

- Thomas, J (2015). *Judicial Ethics in Astralia*. Sydney: Law Book Company.

- Yu, H & Shore, L (2003). "Independence, Impartiality and Immunity of Arbitrators - US and English Perspectives". *The International and Comparative Law Quarterly*, 52(4): 935-967.





Rethinking and Auditing the Negative and Positive Criteria of Judicial Behavior in Iran's Legal System and the Bangalore International Document

Zahra Akbari*¹, Mohamad Ali Ardebili², Mohammad Ashouri³, Nasrin Mehra²

1. PhD, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran Iran.

3. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 69-86

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: zk.1234@yahoo.com

Article history:

Received: 07 Jun 2023

Revised: 01 Aug 2023

Accepted: 04 Sep 2023

Published online: 23 Sep 2023

Keywords:

Criteria of Judicial Conduct, Affirmative and Negative, The Bangalore Principles of Judicial Conduct, Conduct Inside and Outside an Organization.

ABSTRACT

The judicial system, as one of the most important pillars of the fulfillment of justice and the revival of public rights borrows its spiritual influence and health from the performance of its officials a person who is in a judgment position has to be required as a general requirement to observe all the affirmative and negative criteria of the judicial behavior so that his/her verdict may not be doubted by any party. These requirements include the affirmative or negative criteria of personal and organizational behavior, the indicator and the fundamental principles that result in a fair trial and have been recognized internally in documents like the Bangalore Principles of Judicial Conduct. Emphasizing the fact that the implementation of standardized methods is of significant importance in judicial management in terms of people's rights the goal of the current study is to explain and describe the indicator and criteria specified in the Iranian judicial system and Bangalore Principles of Judicial Conduct using a descriptive and analytical methodology. In this regard, the current study attempts to describe the affirmative and negative criteria of judicial behavior in the Iranian judicial system and Bangalore Principles of Judicial Conduct and investigate some shortcomings in this area.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Akbari, Z., Ardebili, MA., Ashouri, M & Mehra, N (2023). "Rethinking and Auditing the Negative and Positive Criteria of Judicial Behavior in Iran's Legal System and the Bangalore International Document". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(3): 69-86.